

موضوع: مسائل مستحدثه / تغییر جنسیت

جلسه چهارم، ۳ دی ۱۳۹۸

استاد سید احمد خاتمی

خلاصه درس

سخن این است آیا تغییر جنسیت جایز است یا جایز نیست؟ گفتیم مساله دارای صوری متعددی است.

صورت اول: در حقیقت تغییر جنسیت نسیت، بلکه چیز زایدی از بدن دفع می شود.

صورت دوم: با عمل جراحی هویت زنانگی یا مردانگی حفظ می شود با ویژگی های مردانه یا زنانه. سینه ها اندازه سینه زن ها با حفظ هویت مردانه.

صورت سوم: با پیشرفت علم تغییر جنسیت هویت او را تماما تغییر می دهد یعنی کاملا زن یا مرد می شود. این دو صورت به خصوص مورد بحث است. امام راحل فرمودند جایز است. محقق خویی فرمودند جایز نیست. ادله امام راحل را گفتیم و در حال بیان ادله محقق خویی هستیم. یک دلیل محقق خویی حرمت تشبه رجل به نساء است. روایات آن را خواندیم و برخی دیگر را نیز بخوانیم.

سند همه این روایات ضعیف است، موجب نمی شود بخاطر ضعف سند این روایات را کنار بگذاریم. چون ضعف این روایات با عمل اصحاب جبران شده است. آنچه مهم از روایات این دو جمله است « لعن الله المتشبهین من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال ». این فراز نیز دارای صوری است. اینکه بطور طبیعی و خلقتی مانند زن ها است یعنی صدای مرد نازک مانند صدای زن باشد یا برعکس صدای زن کلفت باشد مانند صدای مرد این صورت از بحث خارج است. صورت دیگر زن کارهای مردانه انجام مانند مثلا راننده ماشین سنگین شود و یا مرد کارهای زنانه را انجام دهد مثلا پرستار کودکان و اطفال بشود. در این صورت هم بحثی نیست و قطعا حرام نیست. صورت سوم: مردی لباس و زیور اختصاصی زن را بپوشد و خود را آرایش زنانه بکند. یا زن قیافه مردانه به معنای دقیق کلمه به خود بدهد مثلا پوشش و ظاهر خود را ظاهر مرد قرار بدهد این صورت محل بحث است.

صورت چهارم: اینکه مرد وضع لان یکون فاعلا يجعل نفسه لیكون مفعولا و زن که وضع لان یکون مفعولا يجعل نفسه لان یکون فاعلا مانند مساحقه انجام دادن. این صورت مصداق بارز حرمت تشبه رجال به زنان است. روایت آن در کتاب کافی است.

الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص: ۵۵۰

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ قَالَ وَ هُمْ الْمُحَنَّثُونَ وَ اللَّاتِي يَنْكِحْنَ بَعْضُهُنَّ بَعْضاً [1].

سند روایت را بعداً می خوانیم. المخنث بفتح النون و التشدید هو من یوطئ فی دبره. ازدواج همجنس بازها از مصادیق لعن الله المشتبهات و المتشبهین. در حرمت این تردیدی نیست. سخن در صورت سوم است که مردی لباس او لباس زنانه و آرایش زنانه است به نظر می رسد روایت این صورت را شامل می شود. کسی که ظاهر زنانه بخود می گیرد انگار از مردانگی خود شرمند است. یا زنی که ظاهر مردانه داشته باشد موهای خود را مانند مرد کوتاه می کند. روایت شامل صورت دوم نمی شود. بخاطر هوای سرد مثلاً لباس مردانه می پوشد یا برای بیرون رفتن کفش زنانه را می پوشد. شامل این صورت نمی شود. کسی که کار زنانه مردانه داشته باشد و یا زنی که کار مردانه داشته باشد عرف چنین صورتی را مصداق تشبه نمی داند. اگر مردی در بیرون لباس تحریک کننده باشد از باب اینکه مقدمه گناه است حرام است و بخاطر تشبه حرام نیست. و امام راحل درباره رقص مرد می فرماید چون مظنه تحریک جنسی است حرام است مگر رقص زن و شوهر برای یکدیگر حرام نیست. بنابراین این دو مورد تحت بخاطر عنوان تشبه حرام نیستند.

روایتی که در جلسه خواندیم اما سند آن بررسی نشد

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي قَتَادَةَ جَمِيعاً عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي حَدِيثٍ لَعَنَ اللَّهُ الْمُحَلَّلَ وَ الْمُحَلَّلَ لَهُ وَ مَنْ تَوَلَّى غَيْرَ مَوَالِيهِ وَ مَنْ ادَّعَى نَسَباً لَا يُعْرَفُ وَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ مَنْ أَحَدَثَ حَدَثاً فِي الْإِسْلَامِ أَوْ آوَى مُحَدَّثاً وَ مَنْ قَتَلَ غَيْرَ قَاتِلِهِ أَوْ صَرَبَ غَيْرَ ضَارِبِهِ [2].

سند روایت

ابی علی اشعری احمد بن ادريس و شيخ مرحوم كليني، ثقه است. محمد بن سالم بن عبد الحميد من الفطحية و من اجلة العلماء و الفقهاء والعدول وبعضهم ادرك الرضا و كلهم كوفيون. این توثیق نجاشی نیست از آن مدح استفاده می شود. اما حدیث را نه صحیح و نه حسن می

کند. سند دوم روایت، محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم است. و محمد بن سالم و ابراهیم بن هاشم از محمد بن نظر الکوفی الثقة. سند سوم، پیدا نکردم محمد بن ابی القاسم کیست. حسین بن ابی قتادة مهمل یا مجهول است. مهمل یعنی اسم او را ذکر نکرده اند. و مجهول یعنی ذکر شده است اما درباره مدح یا ذم او چیزی درباره او گفته نشده است. عمرو بن شمر ضعیف است و احادیث جابر بن یزید جعفی که ثقه است، را خراب کرده است. بنابراین روایت بخاطر عمرو بن شمر سنداً قابل استناد نیست

### دلالت روایت

روایت مفصل و از روضه کتاب کافی است. روضه کافی باب باب نسیت بلکه روایات او شماره بندی شماره این روایت ۲۷ است. اصطلاح محلل مربوط به طلاق و سه طلاق است. با محلل بودن می آید کسی که زنی را برای او حلال می کند مورد لعن واقع شده اند. و کسی ولایت غیر موالی خودش را بپذیرد مورد لعن شده است. یعنی ولاء عتق غیر را بپذیرد. «يعرف» معلوم و مجهول خوانده شده است. من قتل غیر قاتله یعنی کسی بیگناه در قتل مورث باشد او را بکشند. ضرب غیر ضاربه مرحوم مجلس معنی کرده یعنی کسی را بزند که مرید ضرب او هست یا در آینده می خواهد بزند او را بزند. این روایت سنداً قابل استناد نیست ولی دلالة قابل استناد است چون لعن مربوط به گناهان بزرگ است.

ادعای نسبا ليعرف بما هو هو دلیل بر حرمت آن نیست. آری از جهت اغواگری و دروغ گفتن حرام است. من لعن ابویه کسی که اباء رجال را لعن کند بما هو ایذاء حرام است. مواردی هم داریم که مکروه است اما لعن در آن وارد شده است. پس نمی توان بخاطر مورد لعن وارد شدن بگوییم دلالت بر حرمت می شود. حتی اگر از باب تبعض در حجیت قایل به حرمت لعن شد می گوییم سند چون ضعیف است قابل استناد نمی شود.

وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص: ۲۸۴

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْجَوَّزَاءِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا بِهِ تَأْنِيثٌ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ اخْرُجْ مِنْ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص يَا مَنْ لَعَنَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ ع سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ [3].

کتاب علل سند ضعیف بسیار دارد. پدر شیخ صدوق علی بن بابویه است اول چهار مردان قم مدفون است. محمد بن احمد بن یحیی صاحب نوادر است. احمد بن ابی عبدالله برقی و ابی

عبدالله كنيه محمد بن ابي خالد است. ابي الجوزاء، منه بن عبدالله ثقه و صحيح الحثيث است. حسين بن علوان دو برادر هستند يكي حسن و ديگري حسين است سني هستند و به شدن محب اهل بيت عليهم السلام هستند.

مولی در مجسد پیامبر شخصی را دید که رفتار زنانه دارد به فرمود از مسجد پیامبر خارج شو که پیامبر لعن کرد کسی که خود را به زنان تشبیه کند.

---

[1] الكافي - ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٥، ص ٥٥٠.

[2] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٧، ص ٢٨٤، أبواب ما يكتسب به، باب ٨٧، ح ١، ط آل البيت.

[3] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٧، ص ٢٨٤، أبواب ما يكتسب به، باب ٨٧، ح ٢، ط آل البيت.